اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

# جادوی شیاطین (قسمت هفتاد و سه)

# آخر الزمان ( قسمت یازده )

# دفع دیوها (بخش هفتم)

**در قسمت قبلی گفته شد که غرق شدن در فیلمهای تلویزیونی و ماهواره ای و کلیپها و وبگردیهای بی هدف و غرق شدن در آهنگها؛ همگی یک نوع مدیتیشن هستند. با این تعریف، بیشتر مردم در عصر ما رو به مدیتیشن آورده اند. دراویش جدید، صوفی های جدید، منزوی های جدید، یوگی های جدید و عرفانهای جدید ... باید به فرهنگ لغات ما اضافه شوند؛ اینها کسانی هستند که میخواهند به روشی غیر از روش خدای رحمان آرامش کسب کنند. آنها میخواهند از طریق وبگردی های بی هدف، ول گردی**

**در اینترنت، بی هدفی در تماشای تلویزیون و ماهواره و افراط در تفریح و سرگرمی و ... به جایی وصل شوند. این تعریف مدیتیشن به سبک جدید است. بنابراین دراویش جدید، صوفی های جدید و یوگی های جدید داریم.**

**در این وضعیت بحرانی، بیماریهای روانی و جسمی زیادی وارد جامعه شده است. برای نجات از دست این بیماریها، نیاز است که طبق نظام رحمانی عمل کنیم. بیشتر دستورات پزشکی (سنتی و جدید) بر مبنای کاملا درستی بنا نشده اند و افراط و تفریط و بزرگنمایی در دستورات آنها نهفته است. اما خدا در قرآن دستوراتی را ارائه میدهد که ریشه بیماریها را می زند. در قرآن دعاهای زیادی از زبان پیامبران و آدمهای صالح و پرهیزگار آمده است ولی نکته جالبی در آن نهفته است و آن این است که بسیار کم برای سلامت جسمی دعا کرده اند؛ بلکه همگی نگران سلامت روانی خود و خانواده خود بوده اند. این نشان میدهد که بیشتر بیماریهای جسمی از عدم تعادل روانی نشات می گیرد. نمونه دعای قرآنی که پیامبر زکریا در آن از خدای مقدس میخواهد که فرزندی به او دهد که پسندیده و راضی (**رَضِيًّا**) باشد. رَضِیًّا از ریشه رضایت و به معنای پسندیده و خداپسند است. این کلمه هم خانواده کلمه راضیه مرضیه در آیه (**ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً**) است. رضیا یعنی حالتی که فرد به نظام رحمانی رضایت دهد و دنبال امیال و توهمات و تخیلات نظام شیطانی نرود.**

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ﴿۵﴾

و من پس از خویشتن از بستگانم بیمناکم و زنم نازاست پس از جانب خود ولی [و جانشینی] به من ببخش (۵)

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿٦﴾
که از من ارث برد و از خاندان یعقوب [نیز] ارث برد و او را ای پروردگار من پسندیده گردان (۶)

**یا در آیه دیگری پیامبر ابراهیم از خدای مقدس میخواهد که خودش و خانواده اش را از نمازگزاران قرار دهد. پیامبر ابراهیم خیلی خوب میداند که کسی که نماز بجا نیاورد، دیگر سالم هم نخواهد ماند و سلامت روانی و جسمی اش را هم از دست خواهد داد.**

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾
پروردگارا مرا برپادارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز پروردگارا و دعای مرا بپذیر (۴۰)

**یا افرادی که از خدای بخشنده و مقدس میخواهند که همسران و فرزندانی به آنها دهد که مایه چشم روشنی (قُرَّةَ أَعْيُنٍ) و پیشوای پرهیزگاران شوند. قُرَّةَ أَعْيُنٍ به معنای کسانی است که چشمان والدین و ازواجشان را روشن میکنند و حس رضایت برای آنها و همدیگر ایجاد میکنند و این حالت فقط و فقط در نظام رحمانی و زیر سایه دستورات خدای رحمان ایجاد میشود و لا غیر.**

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾
و کسانی اند که می گویند پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان (۷۴)

**یا پرهیزگارانی که از خدا میخواهند که فرزندانی صالح به آنان بخشد. آنها خیلی خوب درک کرده اند که فرزندی که صالح نباشد، دیگر سالم هم نخواهد ماند. خدا به بیشتر آدمیان از همان دوران بچگی، جسم سالمی بخشیده است ولی آنها با افراط و تفریط و اسراف و جذب شدن به فلسفه های شیطانی همچون (عشق، مدیتیشن، یوگا، وحدت وجود، کارما و ...) خود را دچار انواع بیماریهای روانی کرده و سلامت جسمی خود را هم از دست میدهند. این خیلی بدیهی است که فردی که صالح نباشد، دیگر در نظام رحمانی نخواهد ماند.**

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۰۰﴾

ای پروردگار من مرا [فرزندی] از شایستگان بخش (۱۰۰)

**موسی بعد از فرار از دست فرعونیان، دچار گرفتاری و تنهایی شد. اما او هیچوقت از خدای مقدس، مادیات معین و مشخصی را نخواست. او در دعایش گفت: پروردگارا من به هر خیری که به سویم بفرستی سخت نیازمندم.**

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿۲۴﴾

پس برای آن دو [گوسفندان را] آب داد آنگاه به سوی سایه برگشت و گفت پروردگارا من به هر خیری که سویم بفرستی سخت نیازمندم (۲۴)

**موسی در دعایش برای خدا تعیین تکلیف نکرد. موسی گفت که خدایا هر آنچه که اکنون برای من خیر است، سر راهم قرار بده. بیشتر مردم زمان ما در دعاهایشان،**

**پول را بین خود و خدا واسطه میکنند و پول زیادی از خدا میخواهند تا بوسیله آن پول، به آرزوهایی که کرده اند دست یابند. واسطه گری پول بین خدا و اصل خواسته؛ از پندار بد و منحرف نشات می گیرد.**

**آنان از خدا پول میخواهند تا که مثلا یک ماشین لوکس بخرند. زیرا آنها براساس پندار منحرفشان، به اشتباه فکر میکنند که عزت و خوشبختی آنان در خرید این نوع ماشین است. این ایده از کجا به ذهن آنان راه یافته است؟ از یک فیلم سینمایی، از یک فیلم تلویزیونی ، از یک آهنگ، از نگاه کردن به دیگران و یا از یک نوع مدیتیشن دیگر... تمام اینها الهامات و القائاتی هستند از یک نظام غیر رحمانی. در حالی که فقط خدای مقدس به عنوان دانای آشکار و پنهان؛ میداند که ما برای خوشبختی در هر زمانی به چه چیزی و به چه مقدار لازم داریم.**

**در نظام غیر رحمانی، همیشه یک واسطه بین انسانها و خدا قرار می گیرد. در نظام غیر رحمانی افراد خواسته های قلبی خود را از خدا نمی خواهند، بلکه یک واسطه مثل پول و یا منبع دیگری را بین خود و خدا قرار میدهند و آن واسطه را از خدا میخواهند تا بوسیله آن واسطه به خواسته های خویش برسند. زیرا آنها خود میدانند که خواسته هایشان ناشی از یک نوع مدیتیشن است و بنابراین در نظام رحمانی قابل درخواست کردن نیست.**

**در نظام رحمانی نشانه های زیادی برای کنشها و واکنشهای ما قرار داده شده است. وقتی شب است ، یعنی بخوابیم و به استراحت نیاز داریم. وقتی روز است یعنی زمان کار و تلاش و کوشش است. وقتی زمستان است یعنی شب طولانی تر است و انسانها**

به خواب بیشتری نیاز دارند و البته مردم از طولانی تر بودن شبهای زمستان برداشت اشتباهی میکنند. آنها تا نصف شب نمی خوابند و خود را از یک خواب عمیق محروم میکنند. به فرموده خدای مقدس در قرآن، حتی اگر کسی شب دیر بخوابد، باید آن شب را به عبادت اختصاص دهد و نه مدیتیشن.

وقتی خشکسالی است یعنی بیشتر مردم از نظام رحمانی خارج شده اند و در این حالت باید مردم نسبت به خدای عالمیان خشوع و خضوع داشته باشند تا خدا مشکلشان را حل کند و به درگاه خدای متعال درخواست نزول رحمت کنند. خواسته های ما در هر زمانی متفاوت است. در خشکسالی، در شب، در روز ، در مشکلات و ... خواسته ها متفاوت است. نظام رحمانی با حالتهای بخصوصی که بوجود می آورد، با زبان واضح و مبین به جامعه مورد نظر می گوید که حالا وقت نماز است، حالا وقت خضوع و خشوع است، حالا وقت خواب است، حالا وقت تقاضا از خدا برای باران است و ...

بعضی ها که پول زیادی بدست آورند، آن را در راههای غیر رحمانی خرج میکنند. دستمال کاغذی با لایه طلا، همبرگر با روکش طلا، تهیه قبر میلیاردی، سفرهای تفریحی پر هزینه و ... ؛ اینها همگی یک نوع مدیتیشن است. تمام اینها برای ایجاد حسهای لذت است. واضح است که در این کارهای افراطی یک تغییر حس صورت می گیرد. البته از آنجا که تغییر حس، افراطی است، پس افراد بعد از آن به این نوع مدیتیشن ها عادت میکنند و برای خود تفریحهای پر هزینه دوره ای می تراشند. انسان هنوز یاد نگرفته است که چطوری با هزینه های کمتر از دنیا لذت ببرد. طبیعتی که خدا آفریده است را باید حفظ کنیم و حسهای رضایت انسان بوسیله ی آفریده

های خدا بسادگی ارضا میشوند. گاهی اعمال ساده ای که انجام می دهیم، بسادگی حس رضایت را در انسانها بوجود می آورد. بیشتر مادر بزرگها و پدر بزرگهایی که در شعر و شاعری غرق نشدند، بسادگی با مشغول کردن خود به امورات ساده زندگی، جریان و تعادل جسم و روان خویش را حفظ میکردند. پدر بزرگها با تعمیرات وسائل خانه و استفاده دوباره از آن، هورمون رضایت طبیعی از خود و از نظام رحمانی در روان و بدن آنان جریان داشت. مادر بزرگها با انجام کارهای خانه، حس رضایت خاصی در خود ایجاد میکردند. صبر، شکیبایی ، فروبردن خشم، پاکی ، پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک در این اعمال نهفته هستند. آسیه زن فرعون در خانه ای زندگی میکرد که در زمان خودش فول امکانات بود و هیچی کم نداشت. حتی افراد ثروتمند این زمانه هم هیچوقت نمی توانند قصری مثل قصر فرعون برای خود فراهم کنند. فقط در نظر داشته باشید که قصر فرعون طوری بود که از زیرش رودخانه رد میشد. اما این امکانات، آسیه که زنی مومن بود را به هیچ عنوان سیراب نمی کرد؛ زیرا آن قصر و بیت از رضایت و معنویت تهی بود. در مسئله چشم و هم چشمی، ماهیت واقعی بیت ها و قصرها در نظر گرفته نمی‌شود. بیت واقعی محیطی امن و پر از آرامش برای افراد ایجاد می کند. اکنون مردم فقط با کسانی همسخن میشوند که از نظر ثروت و مقام و موقعیت و امکانات در یک سطح باشند و این اصلا جالب نیست و مثل این است که انسان برای خودش یک زندان بسازد.

**وقتی افراد، خانه های گران، ماشینهای گران و استایل زندگی گرانبها را هدف زندگی خویش قرار میدهند، در آن صورت از آنجا که پندار غلطی را انتخاب کرده اند؛ قطعا در بدست آوردن اینها؛ به نظام غیر رحمانی متوسل خواهند شد و آرامش از آنها سلب میشود. کسی که رشوه می گیرد و یا ربا میخورد، برای توجیه این اعمال مجبور است که همیشه در مدیتیشن بسر برد و به سیستم شر متصل باشد.**

**در نظام شیطانی راه حلها کلا اشتباه هستند، زیرا راه حلهای رحمانی در نظام شیطانی قابل اجرا نیست. مثلا بعضی افراد در خوردن زیاده روی میکنند و بعد از مدتی نمی توانند زیاده خوری را ترک کنند و آنها با کمال تعجب با عمل جراحی، معده خود را کوچک میکنند. از نظر آنان کوچک کردن معده هم یک راه حل است! در حالی که راه حل این مشکل در نظام رحمانی بسیار ساده است. بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ روزه بگیرید. در لذتها غرق نشوید. یک بچه و یا نوجوان باید از همان اوان بچگی یاد بگیرد که زیاده روی نکند و هر لذتی را تجربه نکند. ممکن است کسی بپرسد که اگر هر لذتی را تجربه نکنیم، پس برای چی به این دنیا آمده ایم و بهتر است بمیریم! این فرد به گفته خدای مهربان توجه نمی کند. آنجایی که خدا چیزی را منع کرده است، برای این است که ما لذتهای رحمانی را از دست ندهیم. لذت زیاده روی یک لذت رحمانی نیست و نمیتواند زیاد ادامه داشته باشد. فرض کنید یک بچه به دور از چشم والدینش هر روز شکلات زیادی میخورد؛ این بچه بعد از مدتی دچار دیابت و انواع بیماریهای دیگر میشود و مشکلات عدیده ای برایش پیش میاید و دیگر نمی تواند شکلات بخورد. بنابراین زیاده روی به نفعش تمام نشد، بلکه نه تنها**

به نفعش نبود، بلکه لذت خوردن شکلات را برای همیشه از دست میدهد. بنابراین اگر خدا ما را از چیزی منع میکند و یا به کاری امر میکند، بخاطر این است که از رضایتها و لذتهای نظام رحمانی، خود را محروم نکنیم. خدا خیر خواه ماست و او مهربانترینِ مهربانان است.

یکی با سرعت زیاد رانندگی میکند و از سرعت زیاد لذت می برد، بالاخره روزی این سرعت زیاد کار دستش خواهد داد و تصادف میکند و ممکن است که عضوی از بدنش را از دست دهد و دیگر نتواند رانندگی کند. هر گونه نافرمانی در دستورات خدا، نتیجه ای غیر قابل جبران برای انسانها خواهد داشت و آنان را از نظر امکانات هبوط خواهد داد. کسی که پرخوری و اسراف میکند و بیمار میشود، به نوعی خود را هبوط داده است.

خدای حکیم مکانیسمهای مختلفی را برای اِعمال کلماتش در دنیای ما بکار میبرد. یک روش، همان کن فیکون است و اما روش دیگر، جاسازی یک معجزه و نشانه در تار و پود خلقت جهان است که در زمان و مکان مشخص و معینی ظاهر میشود. خدا خداست و میتواند از هر روشی که خودش اراده کرد آن را ظاهر کند. خدا از هر روشی که بیبندگان و شاهدان این معجزه را بینگیزاند و آنان را به طرف معنویت خاصی هدایت کند، استفاده می فرماید.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ ﴿٣٨﴾

و قطعا پیش از تو [نیز] رسولانی فرستادیم و برای آنان زنان و فرزندانی قرار دادیم و هیچ پیامبری را نرسد که جز به اذن خدا معجزه ای بیاورد برای هر زمانی کتابی است (۳۸)

**بر اساس فرموده آیه فوق، فهم زمانبندی وقوع معجزه و یا نشانه و آیت بسیار مهم است. مثلا معجزه ریاضی نوزده در کتابی نهفته است که ۱۴۰۰ سال پیش نازل شده است. همین زمانبندی، خودش مهمترین نکته این معجزه است. اگر اکنون چنین کتابی نازل میشد، شاید خیلی ها می گفتند که این کتاب بوسیله هوش مصنوعی تهیه شده است. اما خدا دقیقا میداند که کجا و کی یک نشانه را نازل کند و کجا و کی ظاهرش کند. نشانه های خدا کاملاً نشانه هایی تنظیم شده هستند تا در زمان های خاص و مکانهای خاص آشکار شوند و بدون اجازه خدا، اصلا امکان پذیر نیست. هیچ رسولی نمیتواند براساس خواسته خود و یا هوای خود و یا حتی خواسته مردمش، معجزه ای نمایش دهد** (وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ)**. نشانه ها زمانی توسط خدا آشکار میشوند که با مردم آن مکان ارتباط برقرار میکنند. معجزه نوزده در قرآن ثابت میکند که قرآنی که ما آن را مطالعه میکنیم، از طرق خالق ما نازل شده است با پیامهایی لازم و ضروری برای هر عصر و زمانی.**

**در آخر عصرها، شیاطین ضعیف تر و خوارتر میشوند و انسان هم هبوط درون زمینی میکند و در نتیجه امکانات طبیعی زمین کمتر میشود. دیگر مثل سابق باران و برف نمی بارد و انسان مجبور است که در دریاها آب شیرین کن بسازد و آب مورد نیاز خود را تهیه کند. آیه زیر شاید به این نکته اشاره دارد که خدا از اطراف و امکانات**

**زمین همواره میکاهد. تنها دلیل این کاهش، این است که انسان به خود آید و از مستی خارج شود.**

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۴۱﴾

آیا ندیده اند که ما [همواره] می آییم و از اطراف این زمین می کاهیم و خداست که حکم می کند برای حکم او باز دارنده ای نیست و او به سرعت حسابرسی می کند (۴۱)

**انسان طغیان گر و اسراف گر است و اگر زیاد امکانات مفتی و رایگان در اختیارش قرار گیرد، دیوانه میشود و کارهای غیر معقولانه ای انجام میدهد. قبلا قدیما، تعداد فصلهای سال ، شش فصل و یا شاید بیشتر هم بوده است. تابستان دو فصل و همچنین زمستان دو فصل با خصوصیات متفاوت بوده است. اما به مرور زمان این فصلها کاهش یافتند. شاید در آینده هم تعداد فصلها از چهار فصل به دو فصل کاهش یابد. یک فصل گرما و یک فصل سرما. چهار فصل کنونی، در سلامت روانی انسان بسیار موثر هستند. خدای مهربان فصول چهارگانه و در زمان قدیم فصول پنجگانه و یا ششگانه را آفرید، تا که حالت پیوستگی روانی انسان را منقطع کند. در فصل زمستان آدمی آرامتر میشود و بعد که بهار می آید، خوشحالتر و امیدوارتر میشود. این تغییر روحیه ها را خود خدای رحمان با تغییرات فیزیکی در زمین برای ما بوجود می آورد زیرا خدا منت برما نهاد و بعضی مواقع، اجبارا روان ما را تغییر میدهد. بیشتر مشکلات بشر امروزی از پیوستگی روحی روانی اوست. اگر بشر مدام بر یک فکر و روال باشد،**

**دچار توهمات میشود. مدیتیشن نوعی پیوستگی روانی در آن نهفته است که نشانه های رحمانی را برای آدمیان بی معنا میکند. مثلا کسی که مدام مشغول فیلم نگاه کردن است و شبها دیر میخوابد و بجای شب، روزها می خوابد؛ این عادت او یک نوع مدیتیشن است؛ به همین خاطر این فرد، زمستان و تابستان و سرما و گرما و روز و شب برایش فرق چندانی ندارد و هیچ تغییر روحی روانی در او پدید نخواهد آورد. فقط فیلم نگاه کردن، برای او مهم است. نماز دقیقا برخلاف مدیتیشن است. نماز های پنجگانه مثل فصول چهارگانه، روال بسیار مهمی هستند جهت تغییر روان و انقطاع پیوستگی روحی روانی ما در طول روز.**

**شاید نزدیکیهای قیامت، بر اثر هبوط دوباره انسان، فصلها از بین روند و کلا یک فصل تشکیل شود و کلا سرما باشد و یا کلا گرما باشد (فصل سرما محتمل تر است). آنوقت انسان مجبور میشود که بطور مصنوعی این فصلها را برای یک مکان مشخص و معین شبیه سازی کند و آن وقت متوجه خواهد شد که چه نعمت بزرگی را از دست داده است ولی حیف که دیگر قابل برگشت و قابل جبران نیست. متاسفانه انسان تا نعمتی را از دست ندهد، متوجه بود و نبود آن نخواهد شد. انسان نعمتهای زیادی را نسبت به زمان قدیم از دست داده است ولی زیاد متوجه نیست، انگار خودش اینجوری میخواهد!**

**علم بشر طبق سعی و خطاست و به همین خاطر بطور کامل رحمانی نیست و نمیتواند بطور کامل نظام رحمانی را شبیه سازی کند. جالب است که انسان به این علم ناقص**

**مغرور شده است! در حالی که  هر آن چیزی که در آسمانها و زمین است از آن خدای رحمان است و همه او را گردن نهاده اند و همه تسلیم اویند.**

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ ﴿۲۶﴾
و هر كه در آسمانها و زمين است از آن اوست همه او را گردن نهاده اند (۲۶)

**اگر مردم پندار نیک را انتخاب میکردند (**آمَنُوا**) و به وسیله پندار نیک، برای خود تقوا (**وَاتَّقَوْا**) بدست آورده بودند؛ آنوقت برکاتی از آسمان و زمین برایشان گشوده میشد و زندگی برای انسانها روی زمین بسیار راحت تر میشد.**

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۹۶﴾
و اگر مردم شهرها ايمان آورده و به تقوا گراييده بودند قطعا بركاتى از آسمان و زمين برايشان مى گشوديم ولى تكذيب كردند پس به [كيفر] دستاوردشان [گريبان] آنان را گرفتيم (۹۶)

**تعریف خدا از محیط بهشت این است که همه چیز در آن به وفور و در زمان خودش یافت میشود. بکاربردن لغت** تَجْرِي **برای بهشت در آیات قرآنی به این معناست که همه چیز در آن جریان دارد.**

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ ﴿۱۹۸﴾

ولی کسانی که پروای پروردگارشان را پیشه ساخته اند باغهایی خواهند داشت که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در آنجا جاودانه بمانند [این] پذیرایی از جانب خداست و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است (۱۹۸)

**اما انسان از خدا روی بر می گرداند و پندار بد را انتخاب میکند و در نتیجه همنشین شیاطین خواهد شد. شیاطین پندار ما را متوجه میشوند و جذب کسانی میشوند که پندار بد دارند. شیطان زمانی توانست آدم و حوا را فریب دهد که پندارشان را تغییر داد و منحرف کرد. شیطان به آدم و حوا گفت که میخواهید دو فرشته شوید و یا جاودانه شوید. این نصیحت شیطان یک نوع پندار منحرف و غلط بود.**

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿۲۰﴾

پس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از عورتهایشان برایشان پوشیده مانده بود برای آنان نمایان گرداند و گفت پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد جز [برای] آنکه [مبادا] دو فرشته گردید یا از [زمره] جاودانان شوید (۲۰)

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿۲۱﴾

و برای آن دو سوگند یاد کرد که من قطعا از خیرخواهان شما هستم (۲۱)

**هر وقت شیطان به انسان نزدیک شود و همدم نزدیک او شود و با القای پندار بد در انسان تاثیر گذارد و انسان را وارد کردار بد کند، در آن صورت انسان هبوط پیدا خواهد کرد. این حالت فقط زمانی رخ خواهد داد که ما برای کردار خویش، پندار بد و یا منحرف را انتخاب کنیم. در نتیجه آن زمان انسان مجبور است با علم ناقص خویش، شروع به سدسازی ها کند. هر هبوطی در زمین، سدسازیهایی را به دنبال**

**دارد. در اینجا منظور از سدسازی فقط مربوط به سد آب نیست، بلکه در هر چیزی ممکن است سد سازی صورت گیرد و آن را میتوان مانع تراشی هم نامید. افرادی که در هر باغی یک چاه می زنند، این هم یک نوع سدسازی است و برخلاف** تَجْرِي **است. اینها به نوعی مانع جاری بودن خیر و نزولات میشوند. کسانی که کالایی را انبار میکنند و باعث گران شدن آن میشوند، یک نوع سدسازی و مانع سازی در جریان برکات رحمانی انجام داده اند. کسانی که با وضع قوانین غلط، به محیط زیست خویش صدمه میزنند، یک نوع سدسازی انجام داده اند. اسراف و زیاده روی و افراط و تفریط هم نوعی مانع تراشی است. مصرف بیش از حد آب های زیر زمینی هم نوعی مانع تراشی و سدسازی است و مانع از جریان طبیعی آب میشود و برخلاف سیستم رحمانی است.**

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿۴﴾

پس وای بر نمازگزارانی (۴)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿۵﴾

که از نمازشان غافلند (۵)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ﴿۶﴾

آنان که ریا می کنند (۶)

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿۷﴾

و کارهای جاری را منع میکنند (۷)

**کلمه ماعون در آیه بالایی، به معنای هر چیز ضروری ای است که انسانها بخاطر حسادت، طمع و یا زیاده خواهی از هم دیگر دریغ میکنند و یا آن را منع میکنند و یا در آن اسراف میکنند. مدیتیشن این حالات را در آدمیان تقویت میکند. مثلا بعضی مواقع یکی کفشهای زیادی دارد و حتی بعضی هایش را اصلا هیچوقت نمی پوشد ولی نمیتواند از آن دل بکند و به دیگران ببخشد. مدیتیشن حرص خرید و نگهداری آدمیان را زیاد میکند. بعضی ها خرید را یک نوع تفریح و مدیتیشن میدانند و البته کسی که خرید را یک نوع تفریح بداند، قطعا در آن زیاده روی هم خواهد کرد. باید توجه کنیم که نماز دقیقا این اثرات مدیتیشن را خنثی میکند. هر گاه انسانها جذب مدیتیشن شوند، نمازشان را با سستی و کاهلی و تنبلی و اکراه انجام میدهند و این یکی از نشانه های جذب مدیتیشن شدن است. این نکته ثابت میکند که نماز مهمترین ابزاری است که انسان در اختیار دارد تا زندگی سالمی را طی کند.**

**افرادی هستند که ماشینشان را با آب زیاد می شویند و می گویند پولش را می دهیم. این نوع کردارها، کردار بد هستند و مانع جریان آب و خیر در قسمتهای دیگر جامعه میشوند. اصلا هدف خدا از تبعید انسان به روی زمین این بود که انسان کاری کند که دیگران، همسایگان، دوستان و سایر مردمان جهان به مشکل بر نخورند و محیطی دلپذیر و پر از تعاون و همکاری بوجود آید و پندارهای بد از جامعه رخت بر بندد. گاهی بعضی قربانیها و مهمانیها انجام میشود و بیشتر غذاها دور ریخته میشود و یا قربانی به غیر مستحق داده میشود و اینها خودش نوعی سدسازی و** يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ **است. خدای رحمان جامعه ای را می پسندد که در آن تعاون و همکاری**

**جریان داشته باشد** (تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ) **و مردم هوای همدیگر را داشته باشند، فارغ از هر نوع نژاد و قوم و زبانی. که اگر جامعه ای این چنین نباشد و این چنین عمل نکند، در مشکلات فرو می رود و آنچه را که از دیگران منع میکرد، از دست خواهد داد و باید به روش بسیار گرانتر و مشکلتری آنرا بدست آورد.**